بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی اوضح لنا مناهج الهدی بمفاتیح الکلم ومصابیح
الظلم سید الوری محمد الذی بشرفه الانبیاء جمیع الامم و
اهل بیته الاطهرین الذین هم معادن الکرم وسادة العرب
والعجم وببقائهم ثبت نظام العالم صلوات الله وسلامه علیه
وعلیهم ما نهار اضاء ولیل اظلم اما بعد این مجلد سیم است از کتاب
حیوة القلوب تألیف خادم اخبار ائمه اطهار محمد باقر بن محمد تقی حشرهما الله
مع موالیهما الاخیار در بیان وجوب امام علیه السلام ومنصوب بودن او
از جانب ملک علام وعصمت او از گناهان صغیره وکبیره واتصاف او بصف

بکمال

در عین الحیواة وغیر ان تحقیق ان کرده اند ایه هفتم تاویل آیات سورة والتین است
والتین والزیتون گفته اند که حق تعالی سوگند یاد کرده است بانجیر وزیتون زیرا که
انجیر میوه پاکیزه است سریع الهضم ودوائی است کثیر النفع وزیتون میوه ایست که نان
خورش است وروغن لطیف دارد ومنافع دران هست وبعضی گفته اند هم دو کوه است
وطور سینین یعنی کوهی که حضرت موسی ع دران کوه مناجات کرد با حق تع وهذا
البلد الامین وبحق این شهر که هر که دران داخل میشود ایمن است یعنی مکه معظمه
لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم یعنی بتحقیق که آفریدیم آدمی را در
نیکوترین اندامی بحسب صورت ومعنی الا الذین آمنوا وعملوا الصالحات
مگر آنها که ایمان آورده اند واعمال شایسته کرده اند فلهم اجر غیر ممنون پس مر
ایشانرا است مزدی که هرگز منقطع نمیگردد فما یکذبک بعد بالدین پس
بچه چیز تکذیب میکنند ترا بخبر دادن بعد از این دلایل واضحه الیس الله باحکم
الحاکمین آیا نیست خدا حکم کننده ترین یا حکیم ترین حکم کننده گان ودر تاویل
این سوره احادیث غریبه وارد شده است چنانچه علی بن ابراهیم روایت کرده است که تین
حضرت رسول است ص وزیتون حضرت امیر المومنین است ع وطور سینین حسن وحسین ع اند

ومراد بانسان در این سوره ابوبکر است که باسفل درکات جحیم میرود والذین آمنوا صدّقن
حضرت امیر المومنین ع فلهم اجر غیر ممنون یعنی خدا منّت نمیگذارد برایشان در
ثوابها که بایشان عطا میکنند پس خدا به پیغمبرش خطاب کرد که پس بچه چیز ترا
تکذیب میکنند بدین یعنی بامیر المومنین ع و امامت او و ابن ماهیار بسند بسیار
روایت کرده است که تین حسن است و زیتون حسین است و طور سینین علی بن
ابیطالب است ع و بلد امین سید المرسلین است زیرا که هرکس اطاعت او کند
از عذاب خدا ایمن است لقد خلقنا الانسان مراد ابوبکر است که خدا
پیمان گرفت از او از برای خود به پروردگاری و از برای محمّد به پیغمبری ص و از برای اوصیای
او بامامت و بحسب ظاهر اقرار کرد پس چون غصب حق آل محمّد کرد بایشان
گردانید که خدا او را بر گردانید بدرک اسفل جهنّم والذین آمنوا وعملوا الصالحات
پس امیر المومنین است ع و شیعیان ایشان فما یکذّبک بعد حضرت فرمود که آیا چنین
افمن یکذّبک بعد بالدین و مراد بدین ولایت امیر المومنین است و در خصال
روایت کرده است که تین مدینه است و زیتون بیت المقدس است و طور سینین
کوفه است و بلد امین مکّه است مترجم گوید که بنا بر این تاویلی که در این اخبار

است

وارد شد ۱۵

بایشان میکرده اند و خلافی نیست میان جمیع فرق که حضرت امیر المومنین ع
اعلم بود از جمیع صحابه و کلینی و صفّار و ابن ماهیار و ابن شهر آشوب و دیگران
بسندهای بسیار از حضرت باقر و صادق علیهما السّلام روایت کرده اند که
الذّین یعلمون مائیم و الذّین لا یعلمون دشمنان مایند و شیعیان ما اولو الالباب اند
که تمیز میکنند میان ما و دشمنان ما و میدانند که ما سزاوارتریم بخلافت از دشمنان
ما و صفّار روایت کرده است که از حضرت صادق ع پرسیدم از تفسیر این آیه فرمود که
مائیم که میدانیم و دشمنان ما نادانند و اولو الالباب شیعیان مایند و کلینی بسند موثق
روایت کرده است از عمّار ساباطی که گفت پرسیدم از صادق ع از تفسیر قول حق
تعالی و اذا مسّ الانسان ضرّ دعا ربّه منیبا الیه یعنی هرگاه آدمی را
عارض شود حالت بدی میخواند پروردگار خود را در حالتیکه بازگشت کننده است
بسوی او حضرت فرمود که این آیه در شان ابوبکر نازل شده است که حضرت رسول صلعم را
جادوگر میدانست چون بیماری او را رو میداد ظاهرا دعا میکرد و اظهار بازگشت مینمود
از آنچه در حقّ حضرت رسول ص میگفت ثمّ اذا خوّله نعمة منه پس چون عطا میکرد خدا
باو نعمتی از جانب خود فرمود یعنی عافیت میبافت از آن بیماری ونسی ما کان

یدعوا الیه من قبل فراموش میکرد خدا را بسوی او دعا میکرد و پیشتر حضرت فرمود
فراموش میکرد توبه را بسوی خدا میکرد و از آنچه در حق رسول میگفت که او ساحر است
و از این جهة است که خدا فرمود قل تمتع بکفرك قلیلا انك من اصحاب النار
بگو یا محمد ص بهره مند شو بکفر خود اندک زمانی بدرستی که تو از اصحاب جهنمی فرمود که مراد
بکفران خلافتی بود که بناحق دعوی کرد بر مردم و حق علی را غصب کرد نه از جانب خدا
خلیفه بود و نه از جانب رسول پس کافر شد پس حضرت فرمود که بعد از این خدا گردانید
سخن را بسوی علی و خبر داد مردم را بحال او و فضیلت او نزد خدا پس گفت امن هو
قانت آناء اللیل ساجدا و قائما یحذر الآخرة و یرجوا رحمة ربه یعنی آیا
مساویست آن کافر با آن کسیکه عبادت کننده و دعا خواننده است در ساعتهای شب
گاه در سجده و گاه ایستاده در حالتیکه حذر میکنند و میترسد از عذاب آخرت و امیدوار
میدارد رحمت پروردگار خود را قل هل یستوی الذین یعلمون فرمود که یعنی آیا مساوی اند
آنها میدانند که محمد رسول خداست و آنها که میگویند او جادوگر و دروغگوست این آیت
تاویل این آیه را عمار و حق تعالی میفرماید و تلك الامثال نضربها للناس
وما یعقلها الا العالمون یعنی این مثلها را میزنیم از برای مردم و تعقل نمیکنند

در حج و عمره از مسائل حرام و حلال بود و در بصایر از حضرت صادق ع روایت
کرده است که شجره سدرة المنتهی است و رسول خدا ص بیخ انست و علی
بلندی ان است و فاطمه فرع انست و امامان از ذریت فاطمه شاخهای آنند و شیعیان
ایشان برگهای آنند و میوهٔ ان که در هر حین میدهد علومی است که در هر وقت
ائمه سوال میکنند جواب میگویند پرسیدند که چرا انرا منتهی میگویند فرمود زیرا که
والله دین خدا بان منتهی میشود هر که برگ ان درخت نیست مؤمن نیست
و از شیعهٔ ما نیست و عیاشی از حضرت صادق ع روایت کرده که شجره طیبه
مثلی است که خدا برای اهل بیت پیغمبر زده است و شجره خبیثه مثلی است
که برای دشمنان ایشان زده است و در مجمع البیان از حضرت باقر ع روایت
کرده است که شجره خبیثه مثل بنی امیه است و احادیث بسیار وارد شده است
در تفسیر قول حق تع وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً
لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنُخَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا
طُغْيَانًا كَبِيرًا یعنی نگردانیدیم ان خوابی را که نمودیم بتو مگر فتنه و امتحانی
از برای مردم و نگردانیدیم شجره ملعونه را در قران مگر امتحانی از برای مردم

ومی ترسانیم ایشانرا و زیاد نمیکند ترسانیدن ما ایشانرا مگر طغیان بزرگ
که شجره ملعونه سلسلهٔ بنی امیه اند چنانچه عیاشی و دیگران باسندهای بسیار
از حضرت امیر المؤمنین ع و حضرت باقر و صادق ع روایت کرده اند که شجره ملعونه
سلسلهٔ بنی امیه اند چنانچه عیاشی روایت کرده و ایضاً باسندهای بسیار
از حضرت صادق ع روایت کرده اند در تفسیر این آیه که رسول خدا ص خواب
دید که جماعتی بر منبر او بالا میروند و مردم را از دین بر میگردانند حضرت جبرئیل
این آیه را آورد که ابو بکر و عمر و بنی امیه بر منبر تو بالا خواهند رفت و مردم را از
دین بر خواهند گردانید و ایضاً عیاشی روایت کرده است از حضرت
صادق ع که روزی حضرت رسول ص محزون و غمگین بیرون آمد صحابه
از سبب آن سؤال کردند فرمود که امشب در خواب دیدم که اولاد
بنی امیه بر منبر من بالا میروند پس از حق تعالی سؤال کردم که در حیات
من خواهد بود فرمود که بعد از وفات تو خواهد بود و بروایت دیگر دوازده
نفر از بنی امیه را دیدم که بر منبر من بالا رفتند و شیخ طبرسی روایت
کرده است که میمونی چند را دید که بر منبر بالا میروند و بزیر می آمدند بعد از

ان خندان نشد تا از دنیا رفت و در حدیث صحیفهٔ کامله از حضرت
صادق ع منقول است که روزی حضرت رسول صلعم خوابی در ربود در وقتیکه
بربالای منبر بود پس در خواب دید مردانی چند را که بر منبرش بر میجستند
مانند برجستن بوزینه و مردم را از پس پشت بر میگردانیدند پس حضرت
بیدار شد و آثار حزن و اندوه از روی مبارکش ظاهر بود پس جبرئیل
این آیه را آورد و شجرهٔ ملعونه را به بنی امیه تفسیر نمود و شیخ طبرسی در احتجا
ج روایت کرده است در ضمن مناظره که حضرت امام حسن ع با معاویه و
اصحاب او علیهم اللعنه فرمود با مروان بن حکم گفت که خدا لعنت کرده است
تورا و پدر تورا و خویشان و فرزندان تورا و آن لعنت باعث زیادتی
کفر و طغیان و عصیان شما شد چنانچه حق تعالی فرموده است که والشجرة
الملعونة فی القرآن ونخوفهم فما یزیدهم الا طغیانا کبیرا ای مروان
تو و فرزندان ان شجرهٔ ملعونه اید که خدا شما را در قرآن لعنت کرده است
و ما که اهل قرآنیم و ظاهر و باطن قرآن را میدانیم از آن شجره ایم که خدا
در وصف آن فرموده است اصلها ثابت و فرعها فی السماء تؤتی

1

أكلها كل حين باذن ربها يعني ظاهر ميشود علوم قران از ما در هر زمان
از براي مردم و دشمنان ما اهل شجرهٔ ملعونه‌اند که ميخواهند اطفا کنند و فرو نشانند
نور ما را بدهانهاي خود و خدا البته نور ما را اتمام ميکند هر چند ابا کنند و نخواهند
کافران و منافقان و اگر ميفهميدند منافقان معني اين ايات را که بيان کردم
هر آينه از قران مي انداختند چنانچه انداختند از قران ايات بسيار را که در
مدح ما و مذمت دشمنان ما صريح بود مترجم گويد که تاويلي که در اين احاديث
شريفه وارد شده است انطباق انها بر ايات کريمه غايت وضوح دارد که معلوم است
که حق تعم زده است براي ايمان و علوم حقه امور يست که موجب سعادت دنيا
و عقبا ميگردند و انها را تشبيه بدرختي فرموده است زيرا که حق تعم در اکثر ايات
لذات روحانيه را بلذات جسمانيه که همت قاصران مقصود بران است
مثل زده در امور معقوله را بامور محسوسه که منبع علم جاهلان همان است
و تشبيه نموده پس علم و ايمان و اعمال صالحه را تشبيه فرموده است بدرخت
ثابت محکمي که سر باسمان کشيده و ريشه ان درخت حضرت رسالت
پناه است صلعم که منبع جميع کمالات است و چنانچه جميع اجزاي درخت از

ریشه غذا میخورند و تربیت مینمایند جمیع ائمه و اتباع ایشان در خود اشاب
بان جناب از او بهره مند میکردند و ساق ان درخت حضرت امیر المومنین است ع
که اول نموان درخت است و نمایش درخت بآنست و سایر اجزاء بتوسط
ان بهره میبرند حضرت فاطمه ع بمنزله شاخ بزرگ ان درخت است که بواسطه
اشاب جمیع ائمه است بحضرت رسالت صلعم و بتوسط نور ان حضرت
بایشان سرایت کرده است و شاخهای دیگر که از شاخ بزرگ ع رسته است
مثل سایر ائمه ع که بتوسط ایشان ثمرات علوم رسالت بخلق میرسد و انوار
مصطفوی و مرتضوی همه در ایشان مجتمع گردیده و هر که چنگ در یکی از ان
شاخها زند بآسمان رفعت و کمال مرتفع میگردد و علوم ایشان که بخلق
میرسد و قلوب ارواح شیعیان بآنها تربیت و قوت مییابند بمثابه
میوهای ان درخت بلند بخت است و شیعیان که حافظ و حامی و قابل
ثمرات علوم ایشانند و خود را در مهالک فدای ایشان میکنند
و علوم و معارف ایشانرا از دیگران پنهان میدارند بمنزله برگهای
ان شجره طیبة الثمره اند که ان میوها را از مضرت باد و حرارت آفتاب

484

وگرد و غبار حرارت مینمایند و انهار در میان خود پنهان میدارند
و اعدای خبیثه ایشانرا بان شجره خبیثه و شجره ملعونه تشبیه فرمود و بعضی
ازان ملاعین بمنزلهٔ ریشه اند مثل ابو بکر و عمر و بعضی بمنزلهٔ شاخند مثل
بنی عبّاس و امثال ایشان و شیعیان گمراه ایشان بمنزلهٔ برگهای ان
درخت اند و میوه ان درخت عبارت از شبهات و شکوک و علوم باطله ایشانست
بمنزله حنظل ناگوار است که قاتل اهل ضلالت است و مثال شجره اولی
شجره طوبی است که در بهشت اصلش در خانه امیر المومنین است ع و در هر
خانه از شیعیان شاخی ازان هست یا سدرة المنتهی است و مثال
شجره ثانیه در آخرت شجره زقّوم است که از جهنّم میروید میوه اش طعام
دشمنان اهل بیت است و در این مقام سخن بسیار است و این کتاب
گنجایش ذکر زیاده ازاین ندارد فصل سیّم و دوّیم در بیان تاویل آیات
هدایت است بائمه ع و در این معنی آیات بسیار است اوّل وممن
خلقنا امّة یهدون بالحقّ و به یعدلون یعنی از آنها که خلق
کرده ایم امّتی و جماعتی هستند که هدایت میکنند مردم را بحق و بحق

هر که اعراض کند و رو بگرداند از ذکر من پس بدرستیکه از برای او هست
در دنیا یا در جهنم زندگانی تنگی و محشور میکردانیم او را در قیامت کور در
حدیث بسیار کلینی و دیگران روایت کرده اند که اگر خدا ولایت علی بن
ابیطالب است ع و علی بن ابراهیم از حضرت صادق ع روایت
کرده است که این آیه در شان ناصبیان سنیان است که ندر رجعت
خوراک ایشان عذره خواهد بود بجزای آنکه هرکه در دنیا میخورده اند
و ابن مسعود و دیگران روایت کرده اند که زندگانی تنگ فشار قبر است
و ایضا کلینی از حضرت صادق ع روایت کرده است که ذکر خدا در این
آیه ولایت امیر المومنین است هر که اعراض کند از ولایت آن حضرت
در قیامت کور محشور میشود چنانچه در دنیا دلش کور بوده است
از ولایت علی و حیران بوده است در دین خود در آخرت کور چشم
و حیران خواهد بود آیه هفتم قال رب لم حشرتني اعمى وقد كنت
بصیرا گوید پروردگارا چرا مرا حشر کردی کور و حال آنکه در دنیا
نابینا نبودم قال كذلك اتتك اياتنا فنسيتها وكذلك اليوم تنسى

جبرئیل باین نحو نازل گردانیده و مراد محمد و علی ص و اوصیا فرزندان این آیت
مترجم گوید که از این احادیث شریفه ظاهر شد که خواه انتم باشد و خواه
کنتم و خواه خیر امّة باشد و خواه خیر ائمّة خطاب با ئمّه اهل بیت
رسول است صلوات الله علیهم و مراد ایشانند و اگر خطاب بجمیع
امّت باشد باز خیریّت آنها باعتبار آنست که ایشان در میان
امّت هستند و از سیاق آیات کریمه معلوم است که مراد جز این امّت
نیست سیم و انّ هذه امّتکم امّة واحدة و انا ربّکم فاتّقون یعنی
و آنکه این امّت شمایند که امّت واحده اند و منم پروردگار شما پس
بپرهیزید از عذاب من و اکثر مفسّران گفته اند مراد از امّت ملّت است
و ابن ماهیار و ابن شهر آشوب از حضرت باقر ع روایت کرده اند
که مراد از امّت آل محمد ند ص چهارم و جعلنا منهم ائمّة یهدون
بامرنا لمّا صبروا و کانوا بآیاتنا یوقنون یعنی و گردانیدیم از ایشان
امامان و پیشوایان که هدایت میکنند بامر ما چون صبر کردند و بودند
که بآیات ما یقین داشتند و در جای دیگر میفرماید بعد از ذکر

فرعون

498

فرعون و لشکرهای او وجعلناهم ائمّة یدعون الی النّار و یوم القیمه لاینصرون واتبعناهم فی هذه الدّنیا لعنة و یوم القیمة هم من المقبوحین یعنی و کردانیدیم ایشانرا امامان که میخوانند مردم را بسوی آتش جهنّم و در روز قیامت یاری کرده نمیشوند و از پی ایشان فرستادیم در این دنیا لعنت را و در روز قیامت زشت کردانیده شدکانند علی بن ابراهیم و کلینی و صفار و ابن ماهیار و دیکران بسندهای بسیار روایت کرده اند از حضرت باقر و صادق ع که امام در کتاب خدا دو امام است زیرا که فرموده است وجعلنا منهم ائمّة یهدون بامرنا فرمود که یعنی مردم بامر ما میکنند نه بامر مردم مقدّم میدارند امر خدارا پیش از امر خود و حکم خدارا پیش از حکم خود و در جای دیکر فرموده است وجعلناهم ائمّة یدعون الی النّار یعنی پیشوایان کفر و ضلالت اند مقدّم میدارند امر خود را پیش از امر خدا و حکم خود را پیش از حکم خدا و بخواهش خود حکم میکنند برخلاف کتاب خدا و در بصایر بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده است که نمیباشد

واگر کسی توهم کند که آیه اوّل بعد از ذکر حضرت موسی ع و بنی اسرائیل
وارد شده است و شبیه بآن در موضع دیگر بعد از ذکر اسحق و یعقوب
و سایر انبیا وارد شده است و آیه دوّیم بعد از ذکر فرعون و جنود او واقع
شده است پس چنین تواند بود که اوّل در شان اهل بیت ع و دوّیم در شان
دشمنان ایشان باشد جواب آنستکه مکرّر مذکور شد که حق تعالی قصص
گذشتگان را در قرآن برای آن ذکر میفرماید که این امّت بآنها
متعظ گردند و نظیر آنها را در این امّت جاری گردانند پس ظهر آیه
در شان آنهاست و بطن آیه در شان نظیر ایشان در این امّت
و نظیر انبیای بنی اسرائیل در این امّت حضرت رسول است ص
و امامان بعد از او ع و نظیر دشمنان آنها مانند فرعون و قارون و
نمرود است و اشباه ایشانند از این امّت ابوبکر و عمر و عثمان
و سایر خلفای جور و اعدای اهل بیت ع باشند لهذا وارد شده است
که فرعون و هامان و قارون ابوبکر و عمر و عثمان اند و عمر سامری این
امّت است و ابوبکر عجل این امّت یا اینکه در آیات قرآنی بسیار است

که اوّل آیه در شان کسی است و آخر آیه در شان دیگری نیست پنجم و

وکذلک جعلناکم امّةً وسطا یعنی و همچنین گردانیدیم شما را

امّت میانه یا بهترینا بوده باشید گواهان بر مردم و در احادیث

بسیار از ائمّه ع منقول است که مائیم امّت وسط و مائیم گواهان خدا

بر خلق او و حجّت خدا در زمین او و در این باب احادیث بسیار

گذشت ششم وکلّ شیءٍ احصیناه فی امامٍ مبینٍ یعنی و همه چیز را احصا

کرده ایم در پیشوای بیان کننده و اکثر مفسران گفته اند که مراد از امام مبین

لوح محفوظ است و در احادیث بسیار از ائمّه اطهار ع منقول است

که امام مبین علی بن ابیطالب است ع که حق تعالی علم همه چیز را در او

جا داده است و در معانی الاخبار از حضرت باقر ع روایت کرده است

که چون این آیه بر حضرت رسول ص نازل شد ابو بکر و عمر بر خواستند و

سؤال کردند که یا رسول الله آیا کتاب مبین تورات است فرمودند نه گفتند

پس قرآن است فرمودند نه پس در آن وقت حضرت امیر ع پیدا

شد حضرت فرمود این است آن امامیکه خدا همه چیز را در او

پس انجیل است فرمودند نه گفتند

احصا

502

احصا کرده است و بر این مضمون احادیث بسیار است که ان شاء الله
در احوال ان حضرت مذکور خواهد شد فصل سی و چهارم در نزول سلم
و اسلام در ائمه و شیعیان ایشان ع و ان چند آیه است اول یا ایها
الذین امنوا ادخلوا فی السلم کافة و لا تتبعوا خطوات الشیطان
انه لکم عدو مبین یعنی ای جماعتیکه ایمان آورده اید داخل شوید
در سلم یعنی در اطاعت و انقیاد همگی و پیروی مکنید گامهای
شیطان را بدرستیکه او برشما دشمنی است اشکار کننده دشمنی
خود را و عیاشی روایت کرده است بسندهای بسیار که سلم
ولایت علی بن ابیطالب است ع و امامان و اوصیای بعد از او
و معرفت ایشان و اقرار بامامت ایشان و خطوات شیطان
والله ولایت ابو بکر و عمر و عثمان است و کلینی و ابن ماهیار و
دیلمی و دیگران نیز این مضمون را روایت کرده اند مترجم گوید که این
تاویل در نهایت ظهور است زیرا که چون خطاب بامومنان است
خطاب کردن ایشان را که در اسلام داخل شوید معنی ندارد پس

که حضرت امیر المومنین ع فرمود که منم ان رجل که سالم بودم برای رسول
خدا ص در حدیث دیگر فرمود که یک نام من در قران سلم است ستیم
وان جنحوا للسّلم فاجنح لها وتوکّل علی الله انه هو السمیع العلیم یعنی
واگر میل کنند بسوی صلح وانقیاد پس میل کن بسوی ان و توکّل کن
بر خدا بدرستیکه او است شنوا ودانا مفسّران گفته اند که این ایه منسوخ
شده بایه قتال یا مخصوص اهل کتاب است که از ایشان جزیه قبول
توان کرد وکلینی بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده است
که سلم داخل شدن در امر ماست یعنی قبول کردن امامت مترجم گوید
بنابراین تاویل میتواند بود که ضمیر راجع بمنافقان باشد یعنی اگر ایشان
بظاهر اظهار قبول امامت علی بن ابیطالب ع بکنند قبول کن از ایشان
هر چند دانی که در باطن منافقند ودر مقام حیله ومکرند فصل سی پنجم
در بیان انکه ایشانند خلفای خدا که میخواهد ایشانرا متمکّن گرداند در
زمین و وعده نصرت بایشان داده است وبعضی از ایات
که در شان قایم ال محمد ص نازل شده است درین ایات بسیار است

اوّل نتلوا علیك من نبإ موسی وفرعون بالحق لقوم یؤمنون انّ
فرعون علا فی الارض وجعل اهلها شیعا یستضعف طائفة
منهم یذبّح ابناءهم ویستحیی نساءهم انه کان من المفسدین
ونرید ان نمنّ علی الذین استضعفوا فی الارض ونجعلهم الوارثین
ونمکّن لهم فی الارض ونری فرعون وهامان وجنودهما منهم ما کانوا
یحذرون یعنی میخوانیم بر تو از خبر موسی وفرعون بحق وراستی برای
کروهیکه ایمان می آورند بدرستیکه فرعون بلندی یافت در زمین وکردانید
اهل زمین را فرقهای مختلف ضعیف میداشت کروهی را از ایشان میکشت
پسران ایشانرا وزنده میکذاشت زنان ایشانرا برای خدمت کردن
بدرستیکه او از افساد کنندکان بود میخواهیم که منّت کذاریم بر انها
ئی که ضعیف کردانیده بودند در زمین وبکردانیم ایشانرا پیشوایان و
بکردانیم ایشانرا وارثان ومتمکّن کردانیم ایشانرا در زمین وبنمائیم فرعون
وهامان را ولشکرهای ایشانرا از ایشان انچه بودند که بیم داشتند از ان
وعلیّ بن ابراهیم کفته است که خبر داد خدا پیغمبر خود را بانچه رسیده

بموسی واصحاب او از فرعون واز کشتن وستم کردن ان تا انکه تعالی

باشد از برای ان حضرت در انچه باهل بیت او خواهد رسید از ستم کردن

وکشتن بعد از تعالی دادن بشارت داد ان حضرت را که بعد از این ظلما

که برایشان واقع شود تفضل خواهد کرد برایشان ووارث ایشانرا خلیفهای خود کرداند

در زمین واامامان وپیشوایان خواهد کرد ایشانرا برامت ودر رجعت ایشانرا

بار دشمنان ایشان بدنیا بر خواهد کردانید که تا انتقام بکشند از ایشان

پس فرمود ونرید ان نمن تا انجا که کفت ونری فرعون وهامان وجنودهما

وانیها کنایه است از انها که غصب کردند حق ال محمد را یعنی ابوبکر وعمر

واتباع ایشان منهم یعنی از ال محمد صما کانوا یحذرون یعنی انچه

حذر میکردند از انها از کشته شدن وعذاب واکر مراد غلبه موسی بود

بر فرعون بایست ضمیر مفرد بیا ورد نه ضمیر جمع پس ذکر موسی وفرعون

بر سبیل مثال است یعنی چنانچه فرعون مدتی ستم کرد بر موسی

واصحاب او وآخر اورا ضفر دادیم برانها وانهارا هلاک کردیم همچنین

انواع ستمها وکشتن وخالف کردانیدن از فراعنه این است باهل

بلیت

بیت رسالت صلوات الله علیهم خواهد رسید و در اخر این نزا باز دشمنان
ایشان بدنیا بر خواهیم گردانید که از انها انتقام بکشند و تحقیق که حضرت
امیر المؤمنین ع در بعضی از خطبه‌ها اشاره باین مجمل کرده است و فرموده است
ایها الناس اوّل کسیکه بغی کرد بر خدا در روی زمین عناق دختر آدم
بود حق تع بیست انگشت از برای او خلق کرده بود و در هر انگشتی دو ناخن
دراز داشت مانند دو داس بزرگ که بان درو کنند و چون می
نشست یک جریب زمین را در زیر خود میگرفت و چون بغی کرد و
کافر شد و بر مردم ستم کرد حق تع برانگیخت برای هلاک او شیری را
مانند فیل و گرگی را مانند شتر و کرکسی را مانند دراز گوش و در اوّل
خلقت این حیوانات چنین بزرگ بودند پس خداوند قهّار اینها را
براو مسلّط گردانید تا او را کشتند و بدرستیکه خدا فرعون و هامان کشت
یعنی ابوبکر و عمر و قارون را در زمین فرو برد یعنی عثمان بقرینه
اینکه بعد از این شکایت فرمود از اینها که غصب حق او کردند
و فرمود که توبهٔ ایشان مقبول نیست و ایشان در عذاب خدا هستند

در برزخ تا بجهنم روند و چه بسیار شبیه است مثل قایم آل محمد ص بموسی ع که
پنهان متولد شد و پیوسته از فرعون و اصحاب او پنهان و ترسان بود تا
ظاهر شد و بر ایشان غالب گردید و قایم ع نیز چنین بود امرش و چنان
خواهد بود خروجش و ظهورش انشاء الله و در معانی الاخبار از مفضل
روایت کرده است که حضرت صادق ع فرمود که حضرت رسول ص روزی
نظر کرد بسوی علی و حسن و حسین صلوات الله علیهم پس گریست و
فرمود که شمائید آنها که ضعیف خواهند گردانید بعد از من مفضل پرسید
مراد حضرت رسول ص از این سخن چه بود حضرت فرمود یعنی شما امامان
خواهید بود بعد از من چنانچه حق تعالی فرموده است و نرید ان نمن علی
الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمة تا آخر آیه پس خدا وعده
داده است مستضعفون را که امامان گرداند ایشان را و این آیه جاریست
در ما اهل بیت تا روز قیامت و در هر عصری امامی از ما خواهد بود و ایضا
از حضرت امیر المومنین ع روایت کرده است که این آیه در شان
ماست و ابن ماهیار و شیخ طبرسی و دیگران بسندهای بسیار از آنحضرت

510

روایت کرده اند که فرمود بحق خداوندیکه دانه را دانه را شکافته است و گیاه
رویانیده و خلایق را آفریده که البته این دنیا بغلا سبیل خواهد کرد و مهربان
خواهد شد برما بعد از چموشی چنانچه ناقه بدخوی دندان گیرنده مهربان میشود
با فرزندان خود پس حضرت این آیه را تلاوت فرمود و عیاشی روایت
کرده است که روزی حضرت امام محمد باقر ع نظر کرد بحضرت صادق ع
و فرمود بخدا سوگند که این آیه از آنهاست که خدا در باره آیه فرموده است
و این آیه را خواند و ایضاً از حضرت امام زین العابدین ع روایت کرده است
که فرمود بحق خداوندیکه محمد ص را بحق فرستاده است که نیکوکاران از ما
اهل بیت و شیعیان ایشان بمنزله موسی و شیعیان او یند و دشمنان
ما و اتباع ایشان بمنزله فرعون و اتباع او یند و فرات بن ابراهیم روایت
کرده است از ثویر ابن ابی فاخته که حضرت امام زین العابدین ع
فرمود که قرآن بخوان من سوره طسم را خواندم چون باینجا رسیدم
و نجعلهم الوارثین حضرت فرمود بس است و فرمود بحق
خداوندیکه محمد ص را فرستاده است که ابرار از ما اهل بیت و شیعیان

بمنزلهٔ موسی و شیعیان او بودند و علی بن ابراهیم و دیگران روایت
کرده اند از منهال بن عمرو که بعد از شهادت حضرت امام حسین علیه السلام
از حضرت امام زین العابدین علیه السلام پرسید که چگونه صبح کرده فرمود که صبح کرده ایم
در میان قوم خود مانند بنی اسرائیل در میان آل فرعون که میکشتند پسران
ما را و اسیر میکنند زنان ما را و اخبار در نزول این آیات در شأن اهل
بیت علیهم السلام بسیار است و در احوال حضرت قائم علیه السلام مذکور خواهد شد ان شاء الله
و تطبیق این تاویلات بر آیات بنحوی که در آیات فصول سابقه ذکر
کرده ایم نهایت وضوح دارد دویم ما لکم لا تقاتلون فی سبیل الله
والمستضعفین من الرجال والنساء والولدان الذین یقولون
ربنا اخرجنا من هذه القریة الظالم اهلها واجعل لنا من لدنک
ولیا واجعل لنا من لدنک نصیرا یعنی چیست شما را که کارزار و قتال
نمیکنید در راه خدا و در راه آنها که ضعیف گردانیده اند ایشان را از مردان
و زنان آنها که میگویند ای پروردگار ما بیرون بر ما را از این قریه که ستمکارند
اهل آن و بگردان از برای ما از نزد خود یاوری و بگردان از برای ما از نزد خود

512

یاری کنندهٔ و اکثر مفسران گفته اند که این ضعیفان جماعتی اند که در مکه
گرفتار بودند بسبب اسلام کافران وایشانرا عذاب وشکنجه میکردند و
قدرت بر هجرت بمدینه نداشتند حق تعالی تحریص بر قتال کافران نموده
که ایشانرا خلاص نمایند از ظلم ایشان و عیاشی بروایت معتبر از حضرت صادق
و باقر علیهما السلام روایت کرده است که این آیه در شان اهل بیت
علیهم السلام است که ظالمان این امت ایشانرا ضعیف گردانیده اند و یاوری ندارند
حق تعالی امر کرده است مسلمانانرا که در راه ایشان جهاد کنند و ایشانرا بر دشمنان
یاری دهند و ایشانرا با خدا مقرون گردانیدن باین تاویل انسب است و
بنابر تاویل ممکن است که مراد از قریه مدینه طیبه باشند و لهذا حضرت امیر علیه السلام از
انجا بکوفه هجرت فرمود و اهل کوفه یاری آنحضرت کردند یا آنکه این تاویل بطن آیه
است و منافات با ظاهر این ندارد دویم وعد الله الذین امنوا منکم و
عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من
قبلهم ولیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم ولیبدلنهم من بعد
خوفهم امنا یعبدوننی لا یشرکون بی شیئا و من کفر بعد ذالک

پس چگونه بود انکار من بر ایشان ابن شهر آشوب و ابن ماهیار و فرات و غیر
ایشان بسندهای بسیار روایت کرده اند از امام محمد باقر ع و امام جعفر صادق ع که
ایشان اینها که خدا در این آیه فرموده است و ایضا ابن ماهیار بسند معتبر از حضرت موسی
بن جعفر ع روایت کرده است که فرمود روزی نزد پدرم امام جعفر ع بودم
در مسجد ناگاه مردی آمد و نزد آن حضرت ایستاد و گفت ای فرزند رسول خدا ع
بر من دشوار است فهمیدن این آیه در کتاب خدای عز و جل و از جابر جعفی
سؤال کردم مرا ارشاد نمود که از شما سؤال کنم حضرت فرمود که کدام است آن آیه
گفت الذین ان مکناهم تا آخر آیه فرمود بلی در شان ما نازل شده است و سببش
آنست که ابو بکر و عمر و جمعی دیگر با ایشان که حضرت همه را نام برد جمع شدند نزد
حضرت رسول ص و گفتند یا رسول الله این امر یعنی امارت و خلافت بعد از تو
بکه خواهد بود بخدا سوگند که اگر بمردی از اهل بیت تو برسد ما می ترسیم از ایشان
بر جان خود و اگر بغیر ایشان برسد شاید نزدیک تر و مهربان تر باشند بما پس
در غضب شد حضرت از این سخنان غضب شدیدی پس فرمود بخدا
سوگند که اگر خدا ایشان را متمکن گرداند در زمین البته بر پا میدارند نماز را

316

در وقتش و اداکنند زکوة را در محلش و البته امر کنند به نیکیها و نهی کنند
از بدیها البته خدا بر خلاف مذلت همانند یعنی مروانی چند اگر دشمن دارند محمد را
و دشمن دارند اهل بیت و فرزندان مرا پس خدا این آیه را فرستاد و ان یکذبوک
فقد کذبت قبلهم تا آخر آیه و ایضا ابن ماهیار از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده است
که آیه اول در شان مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله و اصحاب او نازل شده است که خدا این مرا
بادشاهی میدهد در مشرق و مغرب زمین و دین حق را بایشان ظاهر میکرداند و
میمیراند و ذایل میکرداند باو و باصحاب او بدعتهای باطل را چنانچه سفیهان و
ظالمان حق را میرانند و چنان خواهند کرد که اثری از ظلم نماند و امر خواهد
کرد مردم را به نیکیها و منع خواهد کرد از بدیها مر خدا راست عاقبت امور
پنجم افمن وعدناه وعدا حسنا فهو لاقیه کمن متعناه متاع
الحیوة الدنیا ثم هو یوم القیمة من المحضرین یعنی آیا پس کسی که وعده
داده ایم او را وعدهٔ نیکو پس او ملاقات میکند آن وعده را یا و میرسد مثل
کسی است که بهره مند کردانیم او را از متاعهای زندگانی پس او خواهد بود
در قیامت از حاضر شدگان از عذاب الله و ان لنتهای دنیا با دنفعی

نخواهد بخشید ابن ماهیار روایت کرده است که این آیه در شان امیر المومنین ع
و حمزه رضه نازل شده است و دیلمی از حضرت صادق ع روایت کرده است که وعده
داده شده علی بن ابیطالب است ع خدا وعده داده است بهشت را از برای او و دوستانش
در آخرت پس ایشانند که در عذاب حاضر خواهند شد دشمنان آن حضرت اند که حق او را غصب
کردند در دنیا و بنا حق پادشاهی یافتند و خدا مهلت داد ایشان را ششم سنریهم
آیاتنا فی الآفاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق یعنی زود باشد
بنمائیم ایشان را آیتها و علامتهای خود را در آفاق و اطراف زمین و در جانهای
ایشان تا ظاهر شود بر ایشان که او است حق ابن ماهیار از حضرت صادق ع
روایت کرده است که نمودن در آفاق تنگ کردن اطراف زمین است بر
سنیان در زمان حضرت قایم ع و نمودن در جانهای ایشان آنست که بعضی
از سنیان در آن زمان بصورت حیوانات مسخ خواهند شد تا ظاهر شود بر ایشان
که او است قایم آل محمد ص با او حق است فصل سی ششم در آنکه کلمه و کلمات
در قران مجید تاویل است با هل بیت ع و ولایت ایشان و آیات در این مقام بسیار است
اول وجعلها کلمة باقیة فی عقبه لعلهم یرجعون حق تع این سخن را بعد از

قصه

بلند میکند که اعمال همه شهرها را در آن شهر میبیند خدا چنین کسی را امام میگرداند و حق تغیر در جای
دیگر میفرماید لا تبدیل لکلمات الله علی بن ابراهیم گفته است یعنی امامت را کسی بغیر
نمیتواند داد نهم واذ یعدکم الله احدی الطائفتین انها لکم وتودون ان
غیر ذات الشوکة تکون لکم ویرید الله ان یحق الحق بکلماته ویقطع دابر
الکافرین لیحق الحق ویبطل الباطل ولو کره المجرمون یعنی و یاد آور وقتی را
در جنگ بدر که وعده میداد شما را خدا یکی از دو طایفه که آن از برای شما باشد یکی قافله
قریش که مال با ایشان بود و دیگر لشکر قریش که با حربه و صلاح بر سر شما آمدند و شما
میل داشتید قافله مال که شوکت یعنی حربه و آلات جنگ نداشتند بوده باشد برای شما
و میخواست خدا ثابت گرداند حق را و غالب سازد دین حق را بکلمات خود مفسران
گفته اند که مراد از کلمات وعیدهای خداست یا تقدیرات یا امر کردن ملائکه را بیاری مومنان و علی
بن ابراهیم روایت کرده است که مراد از کلمات ائمه اند ع و قطع کند و ببرد دنباله کافران
را و همه ایشان را هلاک گرداند تا آنکه ثابت گرداند دین حق را و باطل و برطرف کند
دین باطل را هر چند نخواهند مجرمان و کافران و عیاشی از جابر روایت کرده است
که از امام محمد باقر ع پرسیدم از تفسیر این آیه حضرت فرمود تفسیرش در باطن

آنستکه خدا امر مرا اراده کرده است و مقدر ساخته است که حق آل محمد را ثابت گرداند و
ایشان بر گرداند و کلمه خدا در بطن آیه علی بن ابی طالب است ع و مراد از کافران بنی امیه اند
که خدا ایشان را استیصال خواهد کرد و مراد از لیحق الحق حق آل محمد است در زمان قایم بایشان بر خواهد
گشت و یبطل الباطل آنست که چون حضرت قایم ع ظاهر شود بنی امیه را ازایل و ناچیز
خواهد کرد و ریشه ایشان را خواهد کند مؤلف گوید موافق ظاهر آیه نیز چنانچه علی بن ابراهیم
روایت کرده است کلمات الله ائمه اند ع بر آیه منطبق است زیرا که عمده فتح بدر بدست
حضرت رسول ص و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیهما جاری شد چنانکه در باب
جنگ بدر مذکور شد دهم فان یشاء الله یختم علی قلبک و یمح الله الباطل
و یحق الحق بکلماته انه علیم بذات الصدور کلینی بسند معتبر روایت کرده است
از حضرت امام محمد باقر ع که گفت حق تعالی برای دشمنان خود که دوستان شیطان بودند
و تکذیب حضرت رسول ص او انکار گفته او می کردند قل ما اسألکم علیه من اجر و ما
انا من المتکلفین یعنی بگو یا محمد بمنافقان که من مزد رسالت را که مودت اهل بیت
من است از شما نمیخواهم زیرا که میدانم که شما از قبول نمیکنید و نیستم من تکلف کننده که
مزد چیزی را که شما باور نکرده اید و اهل آن نیستید از شما طلب کنم پس منافقان ابوبکر و عمر

واحزاب ایشان بایکدیگر گفتند که آیا بس نیست محمد را که بیست سال بلا مفسری حکم خود کرد

الحال میخواهد اهل بیت خود را برگردن ما سوار کند و دروغ گفته است خلاف این را نگفته است

این را از خود میگوید و میخواهد اهل بیت خود را بر ما مسلط کند اگر کشته شود یا بمیرد ما خلافت را

از اهل بیت او خواهیم گرفت و هرگز بایشان نخواهیم داد پس خواست که اعلام کند پیغمبر خود را

بآنچه در سینهای ایشان بود و پنهان میکردند و فرمود ام یقولون افتری علی الله کذبا

یعنی بلکه میگویند افترا بسته است بخدا بدروغ فان یشاء الله یختم علی قلبک یعنی پس

اگر خدا میخواست مهر میزد بر دل تو حضرت فرمود یعنی اگر میخواستم وحی را از تو حبس میکردم

پس خبر نمیدادی مردم را بفضیلت اهل بیت خود و نه بدوستی ایشان پس فرمود و یمحو الله

الباطل و یحق الحق بکلماته انه علیم بذات الصدور حضرت فرمود که یعنی خدا میداند آنچه

ایشان پنهان کرده اند در سینهای خود از عداوت اهل بیت تو و ظلم بر ایشان بعد از تو

یاد دهیم ولولا کلمة الفصل لقضی بینهم گفته اند یعنی اگر نه آن کلمه و فضل میبود یعنی وعده

که فرموده که حکم فصل در قیامت میان خلق بشود هر آینه حکم میان ایشان در دنیا میشد و بر

کافران عذاب نازل میشد علی بن ابراهیم روایت کرده است که مراد از کلمه امام آل محمد است وان

الظالمین یعنی آنها که ستم کرده اند بر این کلمه لهم عذاب الیم برای ایشان هست عذاب پر درد

رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم در حال حیات و بعد از وفات واجب است و ایضاً
واجب است تعظیم هر چه منسوب است بایشان از مشاهد مشرفه و ضرایح مقدسه ایشان و آثار ایشان
و اخبار ایشان زیرا که تعظیم ایشان است دیگر در فصل سی و هشتم در تاویل آیات عدل و
معروف و احسان و قسط و میزان بولایت ائمه ع و تاویل کفر و فسوق و عصیان و
فحشا و منکر و بغی بعدو و ترک ولایت ایشان و آیات در این باب بسیار است
اول ان الله یامر بالعدل والاحسان وایتاء ذی القربی وینهی عن الفحشاء
والمنکر والبغی یعظکم لعلکم تذکرون یعنی بدرستیکه خدا امر میکند بعدالت و نیکو
کاری و عطا کردن بخویشان و نهی میکند از کار زشت و ناپسندیده و ظلم و پند میدهد
شما را خدا شاید پند گیرید علی بن ابراهیم گفته است که عدل گواهی لا اله الا
الله محمد رسول الله است و احسان امیر المؤمنین ع و بغی و فحشا و منکر ابو
بکر و عمر و عثمان است و در ارشاد القلوب از حضرت باقر ع روایت کرده است
که عدل شهادت توحید و رسالت است و ایتاء ذی القربی حسن و حسین و امامان
از فرزندان حسین ع است و فحشا و منکر و بغی آنهایند که ستم کردند بر اهل بیت
و کشتند ایشان را و غصب حق ایشان کردند و عیاشی از حضرت صادق ع روایت

کرده است

ایشان و ذریت ایشان و دانایان که بر علوم قرآن ایشان باشند و راویان اخبار ایشان و عالمان علوم ایشان صح

کرده است که عدل شهادت توحید است و ایتاء ذی القربی آنستکه بر امامی امامت را
بامام بعد از خود بدهد و فحشا و منکر و بغی ولایت ائمه جور و از حضرت باقر ع روایت کرده است که عدل
شهادتین است و احسان ولایت امیر المومنین است ع و فحشاء ابوبکر است و منکر عمر است
و بغی عثمان است و بروایت دیگر فرمود که عدل محمد است ص پس هر که اطاعت او کند
عدالت کرده است و احسان علی است هر که ولایت او را اختیار کند احسان کرده است
و محسن در بهشت است و ایتاء ذی القربی رعایت قرابت ماست امر کرده است خدا بمودت
ما و فرزندان ما و نهی کرده است مردم را از فحشا و منکر و بغی یعنی کسانیکه بغی و ظلم کنند بما و مردم را
بسوی غیر ما خوانند و فرات بن ابراهیم از حضرت باقر ع روایت کرده است که عدل رسول خدا است
و احسان امیر المومنین است و ذی القربی فاطمه است صلوات الله علیهم دویم
ضرب الله مثلا رجلین احدهما ابکم لا یقدر علی شیء و هو کل علی مولیه
اینما یوجهه لا یات بخیر هل یستوی هو و من یامر بالعدل و هو علی
صراط المستقیم یعنی زد خدا مثل دو مرد یکی از آن دو گنگ است که قادر نیست بر چیزی
و آن گران بار است بر لقای خود و بهر جا که او را متوجه میگرداند نمی آورد هیچ چیزی را آیا مساوی است
او و کسیکه امر میکند بعدالت و او است بر راه راست و بعضی از مفسرین گفته اند که حق تعالی

این مثلها برای بتها و خود زده است و بعضی گفته اند برای کافر و مؤمن زده است و علی بن ابراهیم
روایت کرده است که این مثل برای امیر المؤمنین و ائمه علیهم السلام و غاصبان حق ایشان است
زیرا که امیر المؤمنین و ائمه علیهم السلام امر میکردند مردم را بعدالت در اقوال و افعال و بر راه راست
بودند که طریق سنت و ایشان بودند و ابوبکر و عمر و سایر ائمه جور لال از بیان حق و هدایت
خلق و هیچ امر از امور خدا از ایشان متمشی نشد چگونه اینها با آنها برابر باشند
و بنا بر این تأویل محکم آنست مراد از آقا خدا باشد یا حضرت رسول ص زیرا که حضرت رسول ص
بهر جنگی که آنها را فرستاد گریختند و هیچ امر خیری بر دست ایشان جاری نشده و اتفاق
این تفسیر بر آیه از تفاسیر دیگر بیشتر است بجهات بسیار ستیم و اوفوا بالعهد
ان العهد کان مسئولا و اوفوا الکیل اذا کلتم و زنوا بالقسطاس المستقیم
ذلک خیر و احسن تأویلا یعنی وفا کنید بعهد و پیمان بدرستیکه از عهد سؤال
خواهند کرد در قیامت و تمام به پیمائید پیمانه را چون کیل نمائید و بسنجید به ترازوی درست
آن بهتر و نیکوتر است از جهة تأویل و عاقبت سید بن طاوس در تفسیر ابن ماهیار روایت
کرده است حضرت کاظم ع از پدرش ع که مراد از عهد آن عهدیست که حضرت رسول ص بر مردم گرفت
بر مودت اهل بیت ع و اطاعت امیر المؤمنین ع و آنکه مخالفت او نکنند و بر او پیشی
نگیرند

محل رحمت الهی اند و انکه ایشانند حزب الله و بقیة الله و محل علوم انبیا و آیات در این مضامین
بسیار است اول و لو شاء ربک لجعل الناس امة واحدة و لا یزالون مختلفین
الا من رحم ربک و لذلک خلقهم یعنی اگر میخواست پروردگار تو هر آینه میگردانید مردم را
امت واحده یعنی بر یک دین و یک مذهب و پیوسته ایشان خواهند بود بر دین
مختلف مگر انکه را رحم کند پروردگار تو و از برای این آفریده ایشان را و بدانکه خلاف است
که اسم اشاره در لذلک راجع است باختلاف یعنی ایشان را برای اختلاف
آفریده یا برحم یعنی ایشان را از برای رحم کردن آفریده و قول اخیر نسبت بمذهب امامیه
و سایر علماء و احادیث معتبره نیز بر این دلالت دارد چنانچه علی بن ابراهیم از حضرت باقر ع
روایت کرده اند که یعنی پیوسته ایشان مختلف خواهند بود در دین مگر انکه را رحم کند پروردگار تو
یعنی آل محمد و شیعیان و اتباع ایشان و لذلک خلقهم یعنی خدا ائمه و شیعیان را از اهل رحمت
خلق کرده است که در دین اختلاف نمیکنند و عیاشی روایت کرده است که مردی از حضرت
امام زین العابدین ع از تفسیر این سؤال کرد حضرت فرمود که آنها که اختلاف میکنند مراد آنهانیند
که مخالف ما یند از این امت و همه ایشان با یکدیگر اختلاف کرده اند در دین و آنها که
خدا برایشان رحم کرده است دوستان ما یند از مؤمنان و خدا ایشان را از طینت ما خلق

548

کرده است مکر نشنیده قول ابراهیم را رب اجعل هذا بلداً امناً وارزق اهله من
الثمرات من امن منهم بالله والیوم الاخر یعنی پروردگارا بگردان این را یعنی
مکه را شهری محل ایمنی و روزی ده اهلش را از میوه ها هر که ایمان بیاورد از ایشان بخدا
و روز قیامت حضرت فرمود که مراد مائیم و دوستان و شیعیان وصی او قال و من کفر فامتعه
قلیلاً ثم اضطره الی عذاب النار و حق تعالی فرمود که هر که کافر باشد پس او را متمتع
میگردانند اندکی در دنیا پس مضطر میگردانم او را بسوی عذاب جهنم حضرت فرمود که مراد
بکافران کسی است که انکار وصی حضرت ابراهیم کرد و متابعت وصی او نکرد از امت او
و بخدا سوگند که حال این امت نیز چنین است یعنی آنها که متابعت پیغمبر خود کردند نجات
میابند و داخل مؤمنان شوند و آنها که متابعت وصی او نکردند کافرانند و چند روزی ببرکت
آن حضرت از نعمتهای دنیا بهره میبرند و بازگشت ایشان در آخرت بسوی آتش است او
در توحید از حضرت صادق ع روایت کرده است در تفسیر ولذلک خلقهم یعنی خلق کرد
ایشانرا برای آنکه بکنند کاری که ایشان مستوجب رحمت خدا گردند پس ایشانرا رحم کند
دویم ان یوم الفصل میقاتهم اجمعین یوم لا یغنی مولی عن مولی شیئاً ولا هم
ینصرون الا من رحم الله یعنی بدرستیکه روز فصل یعنی قیامت که نیک و بد از هم جدا

و داخل گردان ایشانرا در بهشتهای جاوید که وعده داده ایشانرا و هر که شایسته است از زنان

ایشان و فرزندان ایشان بدرستیکه توئی غالب و دانا نگاهدار ایشانرا از سیئات یعنی بدیها

و هر که را تو نگاهداری از بدیها در آن روز پس بتحقیق که رحم کرده بر او و آن فیروزی بزرگ بدرستیکه

آنها که کافر شدند ندا کرده میشوند یعنی در روز قیامت که هر آینه غضب و خشم خدا بر شما عظیم

تر است از خشمی که بر خود دارید چون خوانده میشدید بسوی ایمان پس کفر میورزیدید و کلینی

بسند معتبر از ابو بصیر روایت کرده است که حضرت صادق ع فرمود که خدا را ملکی چند هست

که میریزند گناهان را از پشت شیعیان ما چنانکه باد برگ درختانرا در فصل خزان میریزد

چنانکه حق تعالی میفرماید و یستغفرون للذین امنوا بخدا و کنند که غیر شما را اراده نکرده است

و استغفار ایشان از برای شما است و در عیون از حضرت امام رضا ع روایت کرده است

که فرمود بدرستیکه ملائکه خدمتکاران شیعیان ما یند پس حضرت این آیه را خواند و فرمود

که مراد بمومنان در این آیه آنهایند که ایمان بولایت ما آورده اند و علی بن ابراهیم بسند معتبر

روایت کرده است که حضرت صادق ع پرسیدند که ملائکه بیشترند یا فرزندان آدم ع

حضرت فرمود بحق آن خداوندیکه جانم در قبضه قدرت او است که البته ملائکه در

آسمانها بیشترند از عدد ذرات خاک در زمین و در آسمان موضع قدمی نیست

مگر انکه دران ملکی است که خدا را تسبیح و تقدیس میکنند و در زمین هیچ درختی و
کلوخی نیست مگر انکه دران ملکی است موکل است بآن و هر روز عمل انرا بخدا عرض میکنند
با انکه خدا دانا تر است بآن عمل از او و واحدی از ملائکه نیست مگر انکه هر روز تقرب
میجوید بسوی خدا باظهار ولایت ما اهل بیت و طلب آمرزش میکنند از برای دوستان
و شیعیان ما و لعنت میکنند دشمنان ما را و از خدا سؤال میکنند برای ان نفر ستد
عذاب را فرستادن عذاب شدیدی و ایضا روایت کرده اند از حضرت باقر عم در تفسیر قول حق تعالی
وكذلك حقت كلمة ربك على الذين كفروا انهم اصحاب النار یعنی و همچنین
لازم شده است حکم پروردگار تو بر آنها که کافر شدند و بدرستیکه ایشان اصحاب آتش
جهنم اند حضرت فرمود که یعنی بنی امیه و قول حق تعالی الذين يحملون العرش مراد
رسول خدا و اوصیای بعد از اوست که حامل عرش علم حق تعالی اند ومن حوله مراد
ملائکه اند که تسبیح و تنزیه و حمد میکنند خدا را و طلب آمرزش میکنند از برای آنها
که ایمان آورده اند یعنی شیعیان آل محمد فاغفر للذين تابوا یعنی پس بیامرز آنها را
که توبه کرده اند از ولایت و محبت ابو بکر و عمر و جمیع بنی امیه واتبعوا سبيلك
یعنی و متابعت کرده اند ولی خدا امیر المومنین عم را ومن صلح من آبائهم تا آخر آیه

558

یعنی هر که صالح و شایسته است از پدران و فرزندان و زنان ایشان حضرت فرمود که صالح

ایشان انست که ولایت علی بن ابیطالب ع را اختیار کرده اند و اقرار بامامت

او و فرزندانش نموده اند وقهم السّیات و من تق السّیات یومئذ فقد رحمته

یعنی هر که از برای ولایت انها نگاه داری پس در دنیا پس البته محل رحمت تو خواهد بود در قیامت

و این است فوز عظیم برای کسیکه از ولایت و محبت دشمنان ال محمد ص نجات یابد پس فرمود

ان الذین کفروا یعنی بنی امیه اذ تدعون الی الایمان فتکفرون مراد با یمان علی بن

ابیطالب است ع و ابن ماهیار بجمیع این مضامین را با اختصار از جابر جعفی از امام

محمد باقر ع روایت کرده است و ایضاً از حضرت امیر المومنین ع روایت کرده است که فرمود

فضیلت من بر رسول خدا ص نازل شد و در ضمن این آیه الذین یحملون العرش

تا آخر آیه زیرا که در وقتیکه این آیه نازل شد بغیر از من کسی بانحضرت ایمان

نیاورده بود و ایضاً از حضرت باقر ع روایت کرده است که ملائکه در مدت هفت سال

و چند ماه استغفار نمیکردند مگر از برای رسول خدا ص و از برای من در حق ما نازل شد

این آیات و در انوقت مومنی غیر از ما نبود و ایضاً از طریق مخالفان روایت کرده است

که ملائکه سالها صلوات بر علی میفرستادند زیرا که بغیر از ان حضرت کسی ایمان

گردید نیکو و واگذار مرا با تکذیب کنندگان صاحبان نعمت و مهلت ده ایشان را اندک زمانی

ابن ماهیار روایت کرده است که صبر کن یا محمّد بر تکذیبی که ترا میکنند بدرستیکه من انتقام

خواهم کشید بمردی که از تو بهم رسد و او قایم من است که مسلط خواهم کرد او را بر خونهای ظالمان

و کلینی از حضرت کاظم ع روایت کرده است که یعنی صبر کن بر آنچه منافقان در حق تو میگویند

که دوری کن از ایشان دوری نیکو و بگذار مرا آنها را که تکذیب تو میکنند در نصب کردن

وصیّ تو علی ع و بسند معتبر از آنحضرت ع روایت کرده است که حق تع در این آیه امر کرده است

پیغمبر خود را بصبر تا آنکه نسبتهای بسیار بد باو دادند و بامر الله صبر کرد و در احتجاج از حضرت

امیر المؤمنین ع روایت کرده است که حضرت رسول ص پیوسته با منافقان صحابه مدارا

میکردند و تالیف قلب ایشان مینمود و نزدیک خود می طلبید و در جانب راست خود

ایشان را می نشاند تا آنکه خدا او را امر کرد در دور کردن ایشان و فرمود و اهجرهم

هجراً جمیلاً فصل چهل و سیّم در بیان آیاتی است که در مظلومیّت ائمّه ع نازل شده است

و آنها بسیار است اوّل الم احسب النّاس ان یترکوا ان یقولوا آمنّا و هم لا یفتنون

ولقد فتنّا الّذین من قبلهم فلیعلمنّ الله الّذین صدقوا و لیعلمنّ الکاذبین ام

حسب الّذین یعملون السّیّئات ان یسبقونا ساء ما یحکمون یعنی آیا

پنداشتند مردمان که ایشان را وامیگذارند همینکه میگفتند که ایمان آوردیم و ایشان امتحان
کرده نمیشوند و بتحقیق که امتحان کردیم آنهارا که بودند پیش از ایشان پس هرآینه بدانند خدا آنهارا که
راست گفتند و هرآینه بدانند البته دروغ گویان آیا می پندارند آنها که میکنند اعمال بد را
از دست ما بدر میروند و ما ایشان را عذاب نخواهیم کرد بد حکمی است که میکنند ایشان و از
حضرت امیر المومنین ع و امام جعفر صادق ع منقول است که ایشان فلیعلمن را بر وزن بابی
افعال میخوانند بضم یا و کسر لام و در احادیث وارد شده است که این دو آیه در باب فتنه بعد از
حضرت رسول ص نازل شد که غصب خلافت از حضرت امیر المومنین ع کردند که اکثر آنها که
در غدیر خم با امیر المومنین ع بیعت کرده بودند تابع دنیا شدند و بیعت را شکستند و مومن
و منافق از هم جدا شدند چنانچه شیخ مفید ره در ارشاد روایت کرده است که جمیع منافقان
صحابه با ابوبکر لعین بیعت کردند مردی آمد بخدمت امیر المومنین ع و آنحضرت بیلی
در دست داشت و قبر مطهر حضرت رسول ص را درست میکرد گفت همه با ابوبکر بیعت
کردند و انصار چون اختلاف در میان ایشان بهم رسید مخذول شدند و جماعت
طلقا که منافق بودند و بزور ایمان آورده بودند فرصت را غنیمت شمردند و زود
با ابوبکر بیعت کردند که مبادا خلافت بشما برسد چون این سخن را تمام کرد حضرت بیل را

بر زبان گذاشت و این آیات خواند تا ساء ما یحکمون و ابن ماهیار از حضرت امام حسین ع
روایت کرده است چون آیهٔ کریمهٔ الم احسب الناس نازل شد حضرت امیر ع سؤال کرد
کرد یا رسول الله این فتنه که حق تع فرموده است کدام است حضرت فرمود که یا علی توئی که
مردم را بامامت تو حق تع ابتلا و امتحان کرده است و تو در این باب خصمی خواهی کرد با آنها
که غصب خلافت تو کنند و بامامت تو قایل نشوند پس مهیا گردان حجت خود را برای
خصومت و ایضاً بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده است حضرت رسول ص
شبی در مسجد ماند چون نزدیک صبح شد حضرت امیر المؤمنین ع داخل مسجد شد پس
حضرت رسول ص او را ندا کرد که یا علی گفت لبیک فرمود بیا بسوی من چون نزدیک شد
حضرت فرمود یا علی تمام این شب را که دیدی در اینجا بسر آوردم و هزار حاجت خود را از خدا
سؤال کردم و همه را بر آورد مثل آنها را نیز از برای تو سؤال کردم و باز همه را عطا کرد و
سؤال کردم از برای تو که همه امت را مجتمع گرداند بر امامت تو که همه اقرار کنند
بخلافت تو و ترا متابعت کنند قبول نکرد این آیات را فرستاد الم احسب الناس
تا آخر آیات و ایضاً از سدی روایت کرده است که الذین صدقوا علی ع و اصحاب
او است و لیعلمن الکاذبین دشمنان اویند که در دعوی ایمان دروغ گو بودند دوّم

وقل الحق من ربکم فمن شاء فلیؤمن ومن شاء فلیکفر انا اعتدنا للظالمین نارا احاط بهم سرادقها یعنی وبگو یا محمد که حق از پروردگار شما است پس هر که خواهد ایمان بیاورد و کسیکه خواهد که کافر شود بدرستیکه ما آماده کرده ایم برای ظالمان آتشی را که احاطه کرده است بایشان سراپرده های آن آتش کلینی و علی بن ابراهیم و عیاشی روایت کرده است و بسندهای معتبر از حضرت باقر و صادق ع که مراد بحق ولایت علی بن ابیطالب است و مراد بظالمان ستمکاران بر آل محمدند و آیه چنین نازل شده است انا اعتدنا للظالمین آل محمد حقهم نارا یعنی ما مهیا کرده ایم بر ستمکاران که غصب حق آل محمد کرده اند جهنم را و ابن ماهیار از حضرت صادق ع روایت کرده است آیه چنین نازل شده است قل الحق من ربکم فی ولایة علی تا آنجا که انا اعتدنا للظالمین آل محمد حقهم نارا و معنی همانست که گذشت سیم اذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا وان الله علی نصرهم لقدیر الذین اخرجوا من دیارهم بغیر حق الا ان یقولوا ربنا الله یعنی رخصت داده شد برای آنها که بایشان قتال میکنند کافران که ایشان نیز قتال کنند بسبب آنکه ستم کردند کافران بایشان و بدرستیکه خدا بر یاری ایشان البته قادر است آنها که بیرون کرده شدند از دیار و خانهای خود بنا حق و

وتقصیری

بیست هزار کس از ایشان بطاعون مردند و ایشان جمعی بودند که حق تعالی میدانست که
ایمان نخواهند آورد و از نسل ایشان مومنی بهم نخواهد رسید تمام شد حدیث و
بنا بر این دو آیه هیچ تکلیفی در کار نیست سیم واذ قلنا للملائکة اسجدوا لآدم
فسجدوا الا ابلیس ابی واستکبر وکان من الکافرین یعنی یاد آور آن وقتی
که گفتیم مر ملائکه را که سجده کنید از برای آدم پس سجده کردند مگر شیطان ابا کرد و
تکبر نمود و بود از جمله کافران کلینی بسند معتبر از موسی بن جعفر ع روایت کرده است که
چون حضرت رسول صلعم در خواب دید که ابو بکر و عمر و بنی امیه بر منبرش بالا میروند بسیار بر او
دشوار آمد که بعد از او غصب کنند حق وصی او را پس حق تعالی این آیه برای تسلی آنحضرت
فرستاد و وحی کرد بسوی که یا محمد من امر کردم و اطاعت من نکردند پس جزع مکن تو هرگاه
اطاعت تو نکنند در حق تو و وصی تو چهارم ان الذین کفروا وظلموا لم یکن الله
لیغفر لهم ولا لیهدیهم طریقا الا طریق جهنم خالدین فیها ابدا وکان
ذلک علی الله یسیرا یا ایها الناس قد جاءکم الرسول بالحق من ربکم
فآمنوا خیرا لکم وان تکفروا فان لله ما فی السموات والارض وکان الله
علیما حکیما یعنی بدرستیکه آنانکه کافر شدند و ستم کردند نخواهد بود آنکه خدا بیامرزد ایشان را

و نه آنکه برسانند ایشان را براهی مگر راه جهنم جاوید خواهند بود در جهنم همیشه و این هست
بر خدا آسان ای گروه آدمیان بتحقیق که آمده است شما را رسول الهی براستی از پروردگار
شما پس بگروید که بهتر است از برای شما و اگر کافر شوید پس بدرستیکه از خداست هر چه در آسمان
ها و زمین است و هست خدا دانا و حکیم کلینی از حضرت امام محمد باقر ع روایت کرده است که آیه
چنین نازل شده ان الذین ظلموا آل محمد حقهم یعنی بدرستیکه آنها ستم کردند بر آل محمد
و حق ایشان را گرفته اند و آیه دیگر چنین است بحجم یا ایها الناس قد جاءکم الرسول
بالحق من ربکم فی ولایة علی فآمنوا خیرا لکم و ان تکفروا بولایة علی یعنی
آمده است پیغمبر بسوی شما براستی از جانب پروردگار شما در ولایت علی ع پس
بگروید و ایمان بیاورید بولایت علی ع که بهتر است از برای شما و اگر کافر شوید بولایت
علی ع خدا بی نیاز است از شما آنچه در آسمان و زمین است همه از او است
و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمومنین و لا یزید الظالمین
الا خسارا یعنی فرو میفرستم از قرآن آنچه او شفائی و رحمتی است برای مومنان
و نمی افزاید ستمکاران را مگر زیان کاری ابن ماهیار بچندین سند از حضرت باقر و صادق ع
روایت کرده است که مراد از ظالمان آنهایند که ستم بر آل محمد ص کرده اند و آیه چنین نازل شده است

و لا

576

ولا یزید الظالمین الا خسارا حقهم الا خسارا هم وما ظلمونا ولکن کانوا انفسهم یظلمون
یعنی و ستم نکردند بر ما ولیکن بودند که بر نفسهای خود ستم میکردند کلینی و دیگران از حضرت
باقر و کاظم عم روایت کرده اند که حق تعالی عزیز و منیع تر است از انکه کسی تو هم کند که بر او
ظلم کرده است بلکه خدا ما را بخود مخلوط گردانیده و ظلم ما را ظلم خود شمرده یعنی بر امانتهای و حجتهای
من ستم نکرده اند دران آزارها که بایشان رسانیده اند ولیکن بر خود ستم کرده اند که خود را مستحق
عذاب ابدی گردانیده اند هستم احشروا الذین ظلموا و ازواجهم علی بن ابراهیم گفته است
یعنی جمع کنید انانرا که ستم کردند بر آل محمد و اشباه و اعوان ایشانرا هم وما اتیکم
الرسول فخذوه وما نهیکم عنه فانتهوا واتقوا الله ان الله شدید العقاب یعنی
انچه داده است شما را پیغمبر یعنی امر بان کرده است پس بگیرید انرا و انچه منع کند شما را از ان پس
ترک کنید و بپرهیزید از عذاب خدا بدرستیکه خدا است بدرستی عقوبت او ابن ماهیار از
حضرت امیر المومنین عم روایت کرده است که یعنی بپرهیزید از خدا و از ظلم آل محمد بدرستیکه خدا
سخت است عقاب او از برای کسیکه برایشان ستم کند دهم وقد خاب من حمل ظلما
ابن ماهیار از حضرت صادق عم روایت کرده است که یعنی نا امید است از رحمت خدا کسیکه
متحمل شود ستمی را بر آل محمد یازدهم ولمن انتصر بعد ظلمه فاولئک ما علیهم من سبیل

یعنی البته از برای کسیکه انتقام بکشد بعد از ستمی که بر او واقع شده باشد پس بر ایشان نیست
راهی بعتاب و عذاب ابن ماهیار از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده است که این آیه در شان
حضرت قایم است علیه السلام که چون ظاهر شود انتقام خواهد کشید از بنی امیه و از آنها که
تکذیب ائمه علیهم السلام کرده اند و از آنها که عذاب ایشان
داشته اند تمام شد جلد سیم از کتاب
حیوة القلوب بتاریخ یوم
سه شنبه هشتم ماه ذیقعده
سنه ۱۲۸۲ اقل خلق الله محمد حسین
التماس دعا دارد از خواننده
اللهم اغفر ولوالدیه والمومنین
والمومنات